

عتیق الله نایب خیل

سیدنی

یک کتاب با دو نوشته

از

نصیر مہرین

نام کتاب: دو نوشته

- حفیظ الله امین در د ادگاہ تاریخ
- پیرامون خاطرات جنرال عبدالقادر

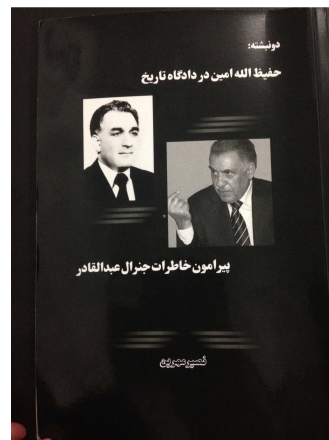
چاپ نخست. تابستان 1393 خورشیدی

همکار برگ آرای و چاپ. بنیاد "شاهمامہ"

دارندہ 176 صفحہ. کاغذ وپشتی عالی

نشانی تماس با بنیاد شاهمامہ. www.shahmama.com

نشانی تماس با مؤلف. M.nasir@web.de



"... کمتر دولتمردی را در تاریخ معاصر افغانستان سراغ توان نمود، که مانند حفیظ الله امین، با تصویرهای بغایت متناقض و متضاد معرفی شده باشد..."

"اگر... محک نقد را نداشته باشیم، بسیار احتمال دارد، که مانند چند دهه پیشتر جعلیات و دروغ ها همچنان تحویل تاریخ شوند."

(گرفته شده از متن کتاب)

باز هم یک تألیف پژوهشی سیاسی- تاریخی ارزشمند را از قلم توانای جناب نصیرمهرین مطالعه نمودم.

نصیرمهرین چهره شناخته شده بی در عرصه نوشتاری، تاریخنگاری، تحلیل های سیاسی و فعال مدنی و فرهنگی است، که تا حال چندین اثر پژوهشی تاریخی، سیاسی و اجتماعی از ایشان به طبع رسیده و در سایت های مختلف انترنیت نیز نوشته های ایشان به نشر می رسد.

کتابی که در بالا از آن نوشتم، دو موضوع را طرف بررسی قرار داده که با هم پیوند نزدیک دارند.

1- "حفیظ الله امین در دادگاه تاریخ"

2- "پیرامون خاطرات جنرال عبدالقادر".

این دو عنوان در یک جلد از نظر موضوع و زمان رویدادهای تکانهنده سیاسی و افرادی که روی ایشان تمرکز بیشتر شده است، به هم پیوند می خورند.

حفیظ الله امین، در شب قبل از دستگیری، دستور کودتا را به افراد رابط خویش صادر می کند و جنرال قادر، که شبکه مخفی نیروی هوایی کشور را در اختیار دارد، با بمباردمان ارگ ریاست جمهوری، آن کودتا را به پیروزی می رساند. بعد از پیروزی کودتا حفیظ الله امین به حیث وزیر خارجه و معاون دوم صدراعظم و جنرال عبدالقادر به حیث وزیر دفاع تعیین شدند. ولی اختلافات درون حزبی و جنگ قدرت، جنرال عبدالقادر را به زندان فرستاد و حفیظ الله امین با هنرمندی حيله گرانه و سفاکی؛ به مدارج عالی قدرت تکیه زد و به شخص اول حزب و دولت مبدل شد. امین در زمانی که قوای شوروی با موافقت او وارد افغانستان شدند، به زودی به قتل رسید. و پس از آن ادعای وسیعتر به عمل آمد که او گماشته سازمان جاسوسی ایالات متحده آمریکا (سی. آی. ای) بود. ادعایی که بیشترها نیز در تبلیغات جناح پرچم جای داشت.

نصیرمهرین این موضوع را با شکیبایی و حوصله مندی پژوهشی زیر ذره بین تحقیق گذاشته است.

تقریباً تمام تصاویری که از حفیظ الله امین ارائه شده از طرف مهرین جمع آوری شده اند، تا به بود و نبود پیوند امین به "سیا" پاسخ دقیق و جامع بیابد. در همین راستا و تصویرهای مختلف از او است که به درستی می نویسد:

"... کمتر دولتمردی را در تاریخ معاصر افغانستان سراغ توان نمود، که مانند حفیظ الله امین، با تصویرهای بغایت متناقض و متضاد معرفی شده باشد..."

در مطالعه بقیه جوانب حیات سیاسی امین است که پرسش های دیگری را نیز طرف تحقیق قرار می دهد. اینکه:

آیا حفیظ الله امین دانشمند و مردم دوست و یا این که عامل کی جی بی و خود خواه و جاه طلب و مستبد و خودرأی بود.

در نهایت کدام عوامل شخصیت سفاک و بی رحم او را تعیین کرد. مهرین ادعای سی. آی. ای بودن امین را پذیرا نشده است و دلایل او درین مورد محکم و قانع کننده است. می گوید که بدون عضویت در سی. آی. ای هم افراد بی شمار سفاک و بی رحم بوده اند. باید افکار و ایدال هایی را دریافت که رهنمای شخصی مثل امین می شوند. اینجاست که تحلیل شان وارد حوزه جامعه شناسی نیز می گردد و عواملی را به بررسی می گیرد که شخصیت ها را سفاک و بی رحم و خودرأی و مستبد بار میاورد.

صحبت پیرامون حفیظ الله امین و معرفی او شاید در نوع خود در این تحقیق منحصر به فرد باشد.

نوشته دومی که در رابطه با خاطرات جنرال عبدالقادر، درگفت و گو با دکتور پرویز آرزو است، نصیرمهرین نخست از دکتور آرزو چنان یاد می کند که اگر وی سهمی در ترتیب و تنظیم سخنان قادر نداشت، کتابی به وجود نمی آمد. زیرا وی طی هشتاد ساعت سخنان قادر را ثبت و پس‌انتر ترتیب و ویراستاری کرده است. البته تمام موضوعات کتاب از نظر جنرال قبلی گذشته است.

در نقد نصیرمهرین، نخست نگاهی به خاطره نویسی ها در افغانستان افتاده است. از نقش جنرال در کودتای ثور، و سمت های کلیدی بی که در آن دولت داشت بررسی به عمل آمده و نشان داده شده است که در همه مظلومی که به وسیله آن دولت به کار برده شده، سهیم بوده است. جنرال در مصاحبه با دکتور پرویز آرزو از نقش اش در کودتا و سمت های بعدی اش انکار نمی کند؛ اما، از سهم خویش در آن جنایات سخنی نمی گوید و با جعل و دروغ از گفتن حقایق طفره می رود. نصیرمهرین با یادآوری های اقناعی و گردآوری اطلاعات دقیق، انکارهای جنرال را برملا می سازد. دو پیوستی که در پایان کتاب افزوده شده است، برای پاسخگویی به این منظور مؤلف اند.

ناگفته پیداست که خواندن کتاب خاطرات افرادی که نقش های کلیدی در تحولات گذشته داشته اند، نه تنها این حسن را دارد که می توان در مورد زندگی گذشته شان دانست؛ بلکه برای شناخت دوره بی که راوی به بالاترین مدارج قدرت رسیده، حقایق ناگفته بی را از خاطرات اش بیرون آورد. دکتور پرویز آرزو در جاهایی از مصاحبه توانسته است زبان جنرال را به حقیقت گویی باز نماید و نصیر مهرین آن حقایق را دریابد و به نقد بکشد.

یکی از ضروریات محاکمه کسی در دادگاه تاریخ معرفی مناسب و منصفانه همان فرد است؛ و وقتی تاریخ در جایگاه قاضی می نشیند باید از تنگ نظری مبرا باشد. با تأثیر پذیری از خوش بینی و بدبینی مفرط به افراد و احزاب نمی توان تصویر درستی از رویدادهای تاریخی ارائه کرد و به نتایجی دست یافت که مورد قبول دیگران قرار گیرد.

خوشبختانه این دو نوشته ازین مزیت برخوردار اند و تصاویر منصفانه از حفیظ الله امین و جنرال قادر به خواننده می دهد.

ظلم و استبدادی که محصول آن کودتا بود، هنوز از حافظه ها زدوده نشده؛ و نکوهش آن نه تنها مانع بررسی منصفانه نویسنده نشده است بلکه به اهمیت و ارزش این نوشته ها نیز می افزاید. مهرین در این نقد وسایر نبشته هایی که به بررسی رویدادهای تاریخی پرداخته، تنها به شرح رویداد ها و تکیه بر اسناد بسنده نمی کند؛ بلکه برداشت ها و مواضع خویش را به عنوان قلم به دست مدافع انسان و انسانیت و محکوم کننده مظالم با روشنی بیان می دارد.

جامعه استبداد زده ما، امروز نتایج کار آن دو فرد کودتاچی را به چشم سر مشاهده می کند. چه استبداد و وحشتی که برپا نشد، چه خون هایی که به دستورشان ریخته نشد، چه زندان هایی که انباشته نشد، چه مادرانی که داغ فرزندان شهید خویش را ندیدند، چه طفل هایی که یتیم نشدند، چه زنانی که بیوه ساخته نشدند و چه قریه جات و روستاهایی که به ویرانه مبدل نشدند، چه گروه های ملیونی مردم که رنج مهاجرت و خانه به دوشی ندیدند و...

جفاهایی که در حق این مردم روا داشته شد، هر مورخ دارای وجدان انسانی را به نکوهش آن فرا می خواند؛ و این موضع گیری نه از سر بدبینی است، بلکه از سر نقش های کلیدی آن دو و جنایاتی است که به وسیله آن ها و در کلیت به وسیله حزب دموکراتیک خلق افغانستان به کار گرفته شده است.

و چنین هست که هم حفیظ الله امین و هم جنرال قادر و هم دیگر رهبران حزب دموکراتیک خلق افغانستان از دادگاه تاریخ سر بلند بیرون نمی آیند و با لعن و نفرین ابدی به خاک می روند.

این کتاب می تواند منبع قابل استناد معتبری باشد؛ مخصوصاً به آنانی که هنوز درک روشنی ازین دو شخص تاریخ ساز در سال های پس از کودتای ثور ندارند.

کتاب در بعضی جا ها دارای اشتباهات تایپی است که امیدوارم چاپ های بعدی از آن مبرا باشد. صاحب این قلم آن اشتباهات را برای مؤلف می فرستم.

موفقیت های بیشتر برای آقای نصیر مهرین آرزو می نمایم؛ قلم شان رساتر و پربارتر باد.